

نقل از کتاب قم و روحانیت
بقلم حجة الاسلام آقای عباس فیضی قمی

جامعه اسلامیت

آقایان جامعه اسلامیت یکی از بزرگترین جوامع دینی دنیای کنونی بشمار آمده بیش از چهار صد مایون نفوس بشری را فرا میگیرد و این جامعه هر چند که مرکب از پیروان مذاهب گوناگون است اما در هر مذهبی که باشد همگی يك مشعل میفروزند و بطور کلی يك نقطه دیده میدوزند هدفشان مشترك و صحفشان متحد است.

((رشته ارتباط و اتصال جوامع اسلامی))

عموماً پیرويك رسول و دارای يك رساله و متوجه بيك مبدء و معتقد بيك معادند همه و همه مرامشان يكتا پرستی و مرانمانه شان قرآن است و تا مرام و مراننامه آنان باقیست این جامعه هم برقرار مانده و خواهی نخواهی بایدار است پس چه بهتر که از این موقعیت بهره بیشتری برده از این کثرت جمعیت نمره نیکوتری برداریم نه آنکه با دست خویش ناقوس و محرومیت از مزایای اجتماعی و ترانه مساویت از حقوق بشری را بصدا آوریم و یا اقدام ابلهانه و یا خردمندانه خود تیشه بر تیشه یکدیگر بکوبیم.

نزديكان خیلی دور

آقایان دور یا نزدیک با خبر و بیدارند و نزدیکان بی خبر و بدون بصر خیلی دور و در خوابند و دیگران دورنمای وضع کنونی ما را بهتر میبینند و برحقایق امور بیشتر از خود ما احاطه دارند و نشریه های خود جامعه اسلامیت را بجرم الانحراف ازوظائف دینی و اجتماعی سرزنش میکنند.

شب آبستنی را در جلو داریم و معلوم نیست که در تاریکی سحر چه مبرزاید اندکی مآل بین باشید و از شراین مولود نسا مسعود بهراسید قدری ساده تر مینگارد تا شاید که ناامان را بیدار گرداند.

آقایان روزهائی بس خطیر و پراز خطر توأم ، تحولی مهیب و پراز تشویش مارا در پیش است که بیش از هر فرقه خاطر مارا پریش و قلبمان راریش خواهد ساخت و در این موقع وظیفه شرعی تغییر روش زندگی را ایجاب مینماید تاکی در خواب غفلت و تاچند مست باده غرور و نخوت که زنك خطر در فضاظنین انداز و شبپور بیداری از ناحیه مآل بینان در نواز و موجبات هبوط بلکه سقوط ما ساز و همچنان با نخوت و یا غفلت دمسازیم در چنین ساعات تیره و تاری که دول معظمه عالم و ملل راقبه جهان در اندیشه ازدیاد موالف و در جستجوی همکاری موافقند فرق مختلفه اسلامی در اثر اقدامات تجاوز کارانه خویش متن قانون اساسی اخوت اسلامی را باعمال کینه و بغض نقض نمودند و منشور و مدنی و سبحانی .

((واتصموا بحبل اللہ جمیعاً ولا تفرقوا))

راکه انجامش بر همه مسلمین فرض بود رفض و از اوامر غمض عین نموده نواهی را قبض کردند و خود را بمرض تفرقه و تشتت دچار ساختند و در معرض عرض انداختند در صورتیکه هائیم و این صحف پر تحف آسمانی متضمن لطائف ظرائف یزدانی هائیم و اصل مبین ((انها المؤمنون اخوه))

وحبل وزبن منشور و اعتصموا هائیم و يك سلسله آهنین از مشترکات اساسی و اصولی مخصوصاً باموفقیت کنونی باندك اختلافات در فروع که موجب جدائی و پراکنده گی است نمیتوان ترتیب اثر بخشید اگر باب اختلاف بسته و در باب اختلاف گشاده گردیده بود پیکره اسلام چون کوه دماوند پا برجا و استوار مانده بردشمنان آتش افشان و بردوستان نمر رسان گشته بود و هزاران چشمه سار حقایق و اشهار دقایق از سینه آن جوشیده از دامنه آن بر سراسر جهان ساری و جاری میگشت شجره پر نمر تنومند اسلامی از يك ریشه و يك ساقه و چند شاخه و چندین سرشاخه ترکیب میگردد پیکره اش قرآن است که بواصله ساق نبوت از ریشه سبحانی استفاده و استفاضه کرده آب میگردد و مواد حیاتی را از میانه قشر مغز بشاخه های امامت و اغصان پیشوایان امامت میرساند تا شاخه های مزبور هم همان مواد روحانی و امر بر حسب استعداد و لیاقت و بقدر استطاعت و قابلیت بمنظومه تابعه خویش بچسبانند و بطور مسلم کلیه سرشاخه ها بشاخه ها مرتبط و تمامی شاخه ها هم از يك ساق منشعب گشته آن ساق هم از

ریشه استسقا کرده از يك مبدء آسمانی و نورانی كسب نورانیت نموده و در عین استضاءه از منشاء انوار سر منظومه دینی خویش هم اضافه مینماید از يك سرچشمه صاف و شفاف نهائی آب میبرد و هر چند نهر آب میدهد استسقا مینماید و اسقا میکند تا شاخه ها را شاداب فرماید و سر شاخه ها هم سیراب گرداند و بر حسب قابلیت بتفاوت در قلت و کثرت بارقه حقیقت بانها برساند و ساق نبوت و اعصاب امامت از افاضه جود خود وارد و دست بردار نیستند حال اگر ما آن لیاقت و قابلیت را نداشته باشیم که استفاده بنمائیم و نتوانیم که خود را از این رحمت برخوردار و از این آب سرشار سازیم عیب و نقص متوجه شخص ماست ... این شاخه ها و سر شاخه ها که از يك ساق انشعاب یافته از يك ریشه و سر چشمه آب میگیرند در عین تعدد متحدند و در بحبوحه تشریح هم مجتمع میباشند و با وجود اختلاف در نمرات بواسطه پیوند با سایر اشجار باز هم دارای ائتلاف و اتفاقند و با این مبانی غیر قابل تشکیك و آن ارتباط و اتصال غیر قابل تفكیک چگونه توان آن سه شاخه های جمع را که بمنزله آیادی و اصابع این پیکرند قطع گردانیده (گذشته بگذشت) باز هم تکرار میکنم که گذشته بگذشت و این روز بی فروغ سراسر قید نیز میگذرد و آنچه بگذرد باز پس نیاید اما اکنون جوامع اسلامی در برابر يك مسئولیت های بزرگتر و پسر اهمیت تری قرار گرفته اند که در پرتو وحدت نظر و تشریح مساعی برفع آنها موفق نخواهند شد .

نخست باید که کایه جوامع اسلامی يك موانع را از سر راه اقترب و ائتلاف خویش بردارند و سپس گرد یگانگی گشته بیکدیگر پیوندند .

و بر نویسندگان اسلامی هر مذهبی که باشند فرض است که بر هر کار و در هر حال با آب زلال موعظه حسنه التهاب آتش درونی افراد را نسبت برادران خود تسکین داده فرو نشانند تا در لهیب آن خلق بی گناه خدایتعالی نسوزند نه آنکه با باد رفته آن آتش نهفته مشتعل سازند تا یکسره خشك و تر را بسوزانند .